

روز صفر

۴



■ کارگردان:
سعید ملک‌ان
■ بازیگران: امیر
جدیدی، ساعد سهیلی،
تینو صالحی

این فیلم به نویسندگی سعید ملک‌ان و بهرام توکلی و به تهیه‌کنندگی سعید ملک‌ان محصول سال ۱۳۹۸ است. این فیلم به سبک معمایی-هیجانی و در فضای جنگی و ماجراجویانه به زبان‌های فارسی، اردو، پشتو و آلمانی؛ محصول ایران ساخته شده. چند بازیگر خارجی و بازیگران تئاتر هم در این فیلم جلوی دوربین رفته‌اند. بخش‌هایی از این فیلم در شهر برلین فیلمبرداری شده است.

گل به خودی

۵



■ کارگردان:
احمد تجری
■ بازیگران: شقایق
فراهانی، نسیم ادبی،
علیرضا استادی

گل به خودی فیلمی به نویسندگی احمد تجری و لاله قهرمانی و تهیه‌کنندگی علی قائم‌مقامی محصول سال ۱۳۹۹ است. این فیلم در سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر حضور داشت. داستان «گل به خودی» قصه آمال و آرزوهای تعدادی کودک است که در پرورشگاه زندگی می‌کنند و به کمک چند عروسک وارد ماجراهایی فانتزی و جذاب می‌شوند.

قدغن

۶



■ کارگردان:
مجید مافی
■ بازیگران: سام
درخشانی، افسانه
چهره‌آزاد، علیرضا
استادی

قدغن فیلمی به کارگردانی مجید مافی و تهیه‌کنندگی محمدحسین فرحبخش محصول ۱۴۰۰ پارسا فیلم است. این فیلم یک ملودرام اجتماعی است و داستانی واقع‌بینانه از مسائل روز جامعه را روایت می‌کند. داستان این فیلم درباره بزه‌های خانوادگی و اجتماعی و نیز اتفاق‌هایی است که در بعضی خانواده‌ها رخ می‌دهد این فیلم وارد حريم ممنوعه می‌شود و بدون هیچ ممیزی روانه اکران شد.

و همان‌جا باقی گذاشتند! خواهر به او گله می‌کند. فضای آن لحظه، تأثیربرانگیز است اما نگاه دوربین رفته‌رفته روی سبزی‌هایی که خواهر پاک و خشک کرده و گوشه‌ای از اتاق گذاشته، متمرکز می‌شود. البته قبلاً به سبزی‌ها اشاره می‌کند که «در این مدت مشغول این کار بودم تا سرم را گرم بکنم». دوربین ما را از سمت‌وسوی دیالوگ به سمت عنصر خیلی خاصی در اتاق می‌برد که پیوندی ارگانیک هم با مایه‌های تماتیک صحنه برقرار می‌کند، یا صحنه‌ای که می‌بینیم همسر حمید باکری، بچه‌اش مریض است، همراه با پسر خردسال و نوزاد دیگرش خانه را ترک می‌کنند که به دکتر بروند. همان لحظه تلفن زنگ می‌زند و آن صداها بی‌پایان تلفن روی صحنه سوار می‌شود و دوربین خیلی آرام حرکت می‌کند از سمت اتاق به سمت پنجره‌ای که همسر شهید در خیابان به سمت مطب دکتر می‌رود. این‌ها فضاسازی‌های مناسبی‌ست که کارگردان توانسته روی آن‌ها مانور بدهد و شاید یکی از دلایلی که فیلم را خیلی گیرا کرده، اتفاقاً همین است اما فیلم نقاط ضعف هم دارد و به سختی از سطح فیلم خوب فراتر می‌رود تا ما به عنوان یک فیلم خیلی خوب یا شاهکار از آن یاد بکنیم. این ضعف‌ها به مناسبات درام و شخصیت‌پردازی برمی‌گردد. به هر حال ما به عنوان تماشاگران ایرانی، با هشت سال جنگ و مخاطبان ایرانی آشناییم و هم‌دلی‌هایی با آن‌ها داریم. حس عاطفی با شهدای جنگ داریم و کم‌تر و بیش‌تر می‌شناسیم‌شان. حالا اگر فرضاً این فیلم را به یک مخاطب سوئدی یا آمریکایی نشان بدهید، آیا همین فضا برای او تداعی می‌شود؟ فکر می‌کنم فیلم تا حد زیادی خودبسنده نیست و به آن سابقه‌ی ذهنی و عاطفی که ما از شهدای جنگ و خود جنگ نسبت به حمید و مهدی باکری و سایر شهدا داریم، متکی است. فیلم با خواستگاری مهدی باکری از همسرش شروع می‌شود. این برای ما آشناست و آن فضاهای سنتی خواستگاری برای‌مان جذاب است، انصافاً هم کارگردان خیلی خوب صحنه را برگزار کرده، ولی فیلم هیچ پیشینه‌ای از مهدی باکری به تماشاگر ارائه نمی‌دهد. منی که در ایران زندگی می‌کنم و ۵۰ سال از عمر می‌گذرد، با این فضا انس می‌گیرم اما فیلم باید زبان جهانی داشته باشد. همین فیلم را اگر به مخاطب خارجی نشان بدهید، شاید اصلاً نداند مهدی باکری کیست! فیلم با یک خواستگاری ساده شروع می‌شود و بعد هم بحث برادرش و جنگ پیش می‌آید. این مناسبت‌ها خیلی برای او جا نمی‌افتد. در بحث شخصیت‌پردازی و درام، فیلم مقدار زیادی جای کار دارد، وگرنه اگر صرفاً متکی به احساسات عاطفی و ذهنی من مخاطب ایرانی باشد که با جنگ هشت‌ساله و آدم‌های آشنا هستم، شاید کمی مشکل ایجاد کند، ولی باز هم تأکید می‌کنم «موقعیت مهدی» جزو فیلم‌های ممتاز امسال بود.

جوایز و دستاوردهای فیلم در جشنواره

فیلم «موقعیت مهدی» با نامزدی در ۱۴ رشته بهترین جلوه‌های ویژه میدانی، چهره‌پردازی، طراحی صحنه، طراحی لباس، صداپردازی، فیلم‌برداری، موسیقی، تدوین، نقش اول زن، نقش مکمل مرد، فیلم‌نامه، فیلم اول، کارگردانی و بهترین فیلم رکورددار دریافت جایزه در این دوره از جشنواره‌ی فیلم بود که در نهایت موفق شد چهار جایزه بهترین جلوه‌های ویژه میدانی (ایمان کریمیان)، موسیقی (مسعود سخاوت‌دوست)، فیلم اول (هادی حجازی‌فر) و بهترین فیلم (حبیب‌الله والی‌نژاد) را به دست بیاورد.

اکنون باید منتظر اکران عمومی فیلم ماند تا ببینیم آیا فیلمی با این‌همه موفقیت در مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور، می‌تواند عموم مخاطبان را هم راضی از سالن بیرون بفرستد.



در عملیات‌های فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، مسلم بن عقیل، والفجر مقدماتی، والفجر ۱، ۲، ۳، ۴ و همچنین عملیات خیبر حضور فعال داشت. پس از شهادت او در عملیات بدر، گروهی داوطلب برای بازگرداندن پیکرش اقدام کردند اما در حال بازگشت، قایق آن‌ها مورد اصابت موشک قرار گرفت و پیکر همگی در اوردن رود مفقود شد.

باکری، که در خانواده‌ای مذهبی متولد شده بود، مادرش را در کودکی از دست داد. او پس از دریافت مدرک دیپلم متوسطه، به دانشگاه تبریز رفت و در رشته مهندسی مکانیک شروع به تحصیل کرد. او مدتی شهردار و دوره کوتاهی دادستان دادگاه انقلاب ارومیه بود. باکری اندکی پس از آغاز جنگ ایران و عراق ازدواج کرد و یک روز پس از ازدواج عازم جبهه‌های جنوب شد. فیلم «موقعیت مهدی» نیز با صحنه‌ای از خواستگاری او شروع می‌شود. هنگام انجام عملیات خیبر، به مهدی باکری خبر دادند برادرش حمید کشته شده و می‌خواهند برای بازگرداندن پیکرش، گروهی را اعزام بکنند اما او مخالفت کرد و از پشت بی‌سیم دستور داد: «همه آن‌ها برادران من هستند. اگر نتوانستید همه را برگردانید، حمید را هم بیاورید».

«موقعیت مهدی» در نگاه منتقدان

اکران فیلم «موقعیت مهدی» در چهلمین جشنواره فیلم، با استقبال خوب منتقدان و تماشاگران روبه‌رو شد. نقد و نظر یکی از منتقدان را درباره این فیلم سینمایی بخوانید.

مهرزاد دانش: فیلم باید زبان جهانی داشته باشد به نظرم «موقعیت مهدی» فیلم ممتازی است، بخصوص از حیث فضاسازی، یعنی بیش از آن که بحث درام فیلم با دیگر عناصر سینمایی برایم جذاب باشد، فضاسازی کارگردان و تیمش در فیلم جزو نکته‌های شاخص اثر از دیدگاه من محسوب می‌شود. در فیلم‌های جنگی معمولاً آن چه بارز است، فضایی‌ست که در خط مقدم با توجه به موقعیت‌های خاص مثل انفجارها، کشته‌شدن‌ها، دوندگی‌ها و حمله‌ها شکل می‌گیرد. این لحظه‌ها بیش‌تر برای تماشاگر شکل و شمایل خاصی پیدا می‌کند، ولی در «موقعیت مهدی»، جدا از این که نگاه فیلم‌ساز، نگاهی خانواده‌محور است و بر مبنای فضایی تدارک دیده شده که سپهر خانوادگی و سپهر زنانه در اثر جای خاص خود را دارد، آن چه برای من جالب بود، شکل و شمایل عناصری است که به این فضاسازی کمک می‌کند. مثلاً فرض کنید در صحنه‌ای، خواهر مهدی باکری به برادرش اعتراض می‌کند چرا پیکر برادر دیگرش (حمید) را نیاورده که دفن بکنند

داستان فیلم «موقعیت مهدی» به زندگی و فعالیت‌های رزمی شهید مهدی باکری می‌پردازد که از برادر کوچک‌ترش می‌خواهد با وجود مشکلاتی که برای او پیش آمده، به منطقه برگردد و کنارش باشد. حمید با برادرش همراه می‌شود، ولی پس از عملیات خیبر، مهدی تنها به خانه برمی‌گردد

